

دیگر طبیعت نه مقهور انسان بلکه مقهور سرمایه شده است. آب دیگر مایه حیات نیست، کالای سود و سرمایه است. آب دیگر آئینه عمر گذران نیست، دیگر گذران نیست، بلکه انبار می‌شود، احتکار می‌شود، بند می‌شود، سد می‌شود، استخر می‌شود، زندانی لوله‌ها می‌شود؛ اگر برایش پرداخت نشود، زمانی چشمه‌ای در سنگلاخ راه باز می‌کند. سنگ‌های سخت را می‌شکافت و راهش را پیدا می‌کند و جاری می‌شد تا جنبه‌های طبیعت، تا انسان، حیوان و گیاه از آن بهره گیرند. اما اکنون در بطری‌های پلاستیکی و شیشه‌ای محبوس می‌شود و در ازای پول به انسان فروخته می‌شود و گیاه و حیوان را از تشنگی می‌کشد. زمین‌های کشاورزی له له خواهند زد، اگر پولی در کیسه‌ی دهقانان نباشد. آهو از تشنگی جان می‌دهد. دیگر کودکان در مدرسه یاد نخواهند گرفت که چشمه‌ی کوچک دل سنگ سخت سر را با کوشش مداوم خود سوراخ کرد و بیرون زد. دیگر ز کوشش به هر چیز نخواهی

رسید، بلکه قدرت پول و سرمایه به چشمه زحمت کوشش نمی‌دهد و هم آن جا آن را به منجنیق می‌کشد. دو میلیارد انسان در جهان به آب سالم و فاضلاب دسترسی ندارند، زیرا سرمایه بر آب چنگال انداخته است. تا دهه‌ی ۱۹۹۰ خدمات آب رسانی در کل در انحصار دولت بود. در این دهه با پیشنهاد بانک جهانی به سازمان ملل و حکومت‌ها و کنسرن‌های مالی و صنعتی مساله خصوصی سازی آب در دستور کار قرار گرفت. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول راه مشارکت دولت در امر سیاست آب با شرکت‌های خصوصی و تجارت آزاد و موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری را برای مگا کنسرن‌ها باز کرد. در گذشته‌های دور امپراطوری‌هایی بودند که سیستم آبرسانی بسیار پیشرفته داشتند مثل چین و ایران. در این امپراطوری‌ها شکلی از سلسله مراتب وجود داشت که دهقانان در پایه هرم سلسله مراتبی قرار داشتند. سیستم آبرسانی توسط حکومت مرکزی برقرار و محافظت

نداشته اند. گذشته از انسان، طبیعت قربانی دیگر منافع سرمایه است.

گذشته از صنعت در شهرهای بزرگ آب به عنوان یک کالا، بیش تر درصد آب مصرفی توسط درصد کوچکی از مردم مورد استفاده قرار می گیرد که دارای باغ گل و میوه و استخر خانگی اند. به طور مثال در مکزیک ۳٪ جمعیت فوق مرفه ۶۰٪ آب مصرفی و ۵۰٪ جمعیت تنها ۵٪ آب مصرفی را دارند. بنا به تخمین سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۰۰، برای تامین آب جهان تا سال ۲۰۲۵ به مبلغ ۱۸۰ میلیارد دلار پول نیاز بود که تنها برابر سرمایه یک سرمایه دار - جان بزوس با ۱۸۸ میلیارد دلار - است. همراه با افزایش جمعیت جهان که بیشتر بر حجم مردم فقیر می افزاید نیاز به آب بالاتر می رود و باز فرصت های دیگری را برای کنسرن های آب فراهم می آورد. کنسرن ها گاه به راحتی هم قادر به پیشبرد اهداف خود نیستند زیرا مردمی که از آب بعنوان یک پدیده طبیعی برای شرب و کشاورزی استفاده می کردند و با حضور کنسرن ها و افزایش قیمت ها توان استفاده از آن را ندارند و از آن محروم می شوند علیه کنسرن ها می شورند و دولت ها را مجبور به باز پس گیری قرار داد می شوند نمونه آن مبارزه مردم کوچوبامبا در بولیوی که در سال ۲۰۰۰ به اوج خود رسید و به اعتصاب عمومی کشیده شد و در اثر درگیری مردم با نیروهای سرکوب دولتی کشته و زخمی های زیادی به جا گذاشت و بالاخره دولت مجبور به باز پس گیری سیاست خصوصی

می شد زیرا دهقانان بودند که می بایستی مخارج هیرارشی قدرت را تامین کنند. در زمان حاضر سرمایه داران در زمینه ی آب هیرارشی مناسبات قدرت را شکل می دهند زیرا با خصوصی سازی آب و تبدیل آن به کالایی مثل هر کالای دیگر که بازاری دارد، خرید و فروش می شود، سهامش در بازار بورس و هم چین قیمت خدماتی که ارائه می کند بالا و پایین می رود، حق بشر به آب شرب از او سلب و به کنسرن ها واگذار شده است. کنسرن های آب مثل اروای، نستله، سوئز، اولیا و ... هستند، که استحصال و توزیع آب را کنترل می کنند و مالک آب محسوب می شوند. سرمایه از طرفی آب را آلوده می کند تا از طرف دیگر برای بخش دیگری از سرمایه امکان کار ایجاد کند. به طور مثال برای تولید یک تن آهن خام به ۲۳۰۰ گالن و یک تن کنستره آهن به ۵۹۰۰ گالن - هر گالن ۴،۵۵۰ لیتر - برای یک تن فولاد به ۶۲۰۰۰ گالن، و برای یک تن مس به ۱۰۰۰۰۰ گالن آب نیاز است. برای تولید یک کیلو گرم پنبه به ۵۲۸۳ گالن یا ۲۰،۰۰۰ لیتر آب نیاز است که با آن می شود یک تی شرت نخی تولید کرد. همین طور است صنایع چرم، فلزات گرانبها و کمیاب و غیره. سرمایه صنعتی نقش مهمی در کمبود آب، آلوده سازی آب و تخریب منابع آب دارد. بخشی دیگر از سرمایه به سمت بهینه سازی آب های آلوده شده می رود و آن را می فروشد. در هردو حالت بهای آن را انسان هایی خواهند پرداخت که در آلوده سازی آن نقشی

سازی آب شد. مبارزه مردم برزیل هم جریان دارد. برزیل به تنهایی ۱۲٪ آب شیرین جهان را در اختیار دارد اما آن را به کنسرن‌ها منتقل کرده است در نتیجه نیم خانوارها به ویژه خارج از شهرها دسترسی به آب سالم و مطمئن ندارند زیرا تنها چند ساعت در روز آب جاری است و به دلیل قیمت بالای استفاده از آب و خدمات آن بسیاری از مردم قدرت تهیه آن را از دست می‌دهند و جریان آب به روی آن‌ها قطع می‌شود زیرا توان پرداخت را ندارند. اکثریت کشورهای جهان سیستم درست تامین آب، محافظت از آب و فاضلاب را ندارند یا تنها در بعضی از مناطق دارند. با وجود همه مراقبت‌ها اما سرمایه راه‌هایی برای فرار از آن پیدا می‌کند به طور مثال وقتی کنسرن‌های صنعتی در کشورهای در حال رشد سرمایه‌گذاری می‌کنند

از زیر بار این مراقبت‌ها از جمله تصفیه فاضلاب کارخانه یا عدم کاربرد سموم در مزارع و غیره طفره می‌روند و به آلودگی آب دامن می‌زنند. کمبود آب امروز به یکی از مشکلات بزرگ جهان تبدیل شده است. مشکل آب در ایران امری چندجانبه است و نه تنها به گرمایش زمین و سیاست استراتژیک آب بلکه به عوامل دیگری چون سیاست محیط زیست و کشاورزی، سیاست صنعتی، فساد مالی و سیاست زیرساخت‌های شهری و روستایی بستگی دارد که همگی بیمارند. گذشته از آن سرمایه‌داری است که با گسترش بدون حد و مرز خود نه تنها شیره جان کارگران را می‌مکد بلکه کل طبیعت و سیاره را با خطر نابودی مواجه کرده است و با تداوم آن این خطر بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود و تنها راه چاره‌رهایی جهان از دام سرمایه‌داری است.